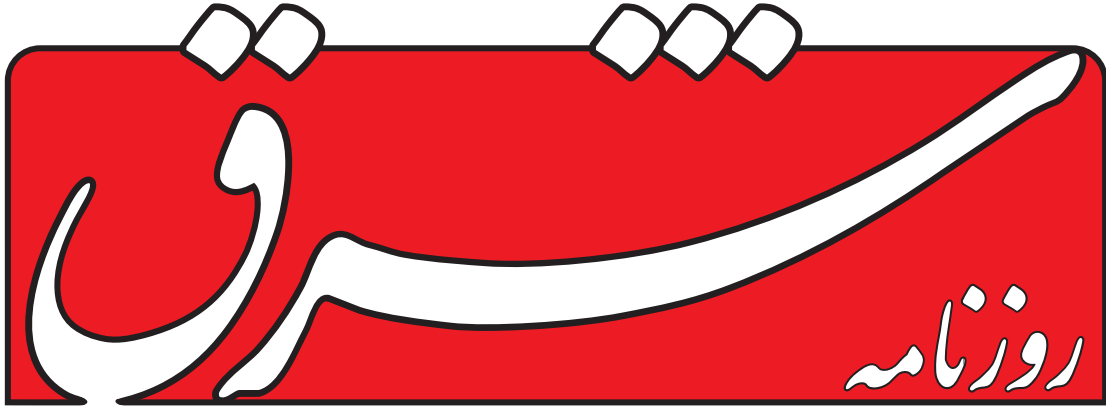




کامبیز نوروزی

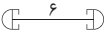
حقوق دان

چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۳
۸ شوال ۱۴۴۵
۱۷ آوریل ۲۰۲۴
سال بیست و یکم
شماره ۴۸۱۱
۲۰ هزار تومان
صفحه ۱۲



بررسی تنش‌های منطقه در گفت‌وگو با صادق زیباکلام

ضرر نمی‌کنیم اگر خودمان را برای بدترین سناریو آماده کنیم



گزارشی از پیگیری و اصرار برخی نمایندگان مجلس برای اضافه کردن پنجشنبه‌ها به تعطیلات رسمی فارغ از نیاز اقتصادی کشور

مورد عجیب «پنجشنبه»ها

تقاضای رئیس انجمن صنفی مهندسی پلیمر و شیمی ایران از رئیس مجلس برای تعطیلی جمعه و شنبه



این گفت‌وگو در صفحه ۲ بخوانید

پیش‌بینی‌های معلق

تنش‌های منطقه و فضای شکل گرفته بعد از پاسخ ایران به ترورهای اسرائیل در گفت‌وگو با نعمت‌الله ایزدی بررسی شد

برگزیده‌ها

پاسخ وزارت بهداشت به پرونده ویژه «شرق»

فقط رنج بیماری

واکنش وزارت ورزش و جوانان به یک گزارش

نگاهی به قانون دوباره جنجالی بازی‌های رودررو

کپی ایتالیایی اجرای ایرانی

مذاکرات چندساله رهبران اتحادیه اروپا به توافق منجر شد

پاسخ بروکسل به بحران مهاجران

واکنش ۴ عضو شورا به توهین یک مدیر شهری به عضو شورای شهر تهران

روزهای سخت منتقدان بهشت

یادی از پرویز بابایی

کارگرو روشنفکر

یادداشت

تورم و خطر انحطاط کرامت



سید جواد جمالی

کارشناس اقتصادی

در طول تاریخ همواره عده‌ای توانسته‌اند با تلاش و کوشش یا برخورداری از هوش بالاتر یا کسب مهارت‌های بیشتر نسبت به سایرین ... ثروت و درآمد افزون‌تری نسبت به دیگران کسب کنند. از سوی دیگر عده‌ای نیز به دلایل متعدد توانسته‌اند از سطح مناسبی از ثروت و درآمد برخوردار شوند. از این‌رو به طور پیوسته، مباحث مربوط به شکاف طبقاتی، نحوه و عوامل پیدایش آن و چگونگی مقابله با آن مورد بررسی و مطالعه بوده است. بعد از ظهور انقلاب صنعتی، پدیده شکاف طبقاتی به‌صورت جدی‌تری در جوامع غربی نمایان شد، به‌گونه‌ای که در پایان قرن ۱۹، یک دهک بالای جامعه بریتانیا ۹۰ درصد ثروت و صدک بالای جامعه ۵۰ درصد ثروت را در اختیار داشت. اما این تراکم و تمرکز ثروت چندان پایدار نبود و در اثر وقوع جنگ جهانی اول و دوم و بحران ۱۹۲۹، ارزش دارایی‌های طبقه بالای جامعه به‌شدت تنزل یافت. در دهه ۱۹۷۰ و بعد از احیای اقتصاد کشورهای گرفتار در جنگ‌های جهانی اول و دوم، بار دیگر اقتصاد آن کشورها در مسیر رشد و پیشرفت قرار گرفت. با گذشت زمان، همراه با ارتقای نوآوری و تکنولوژی، رشد ذخیره دانش، وقوع بهبود قابل ملاحظه در علوم گوناگون مانند علم ارتباطات، علوم مهندسی، علم مدیریت و ... نرخ بازردهی هر واحد سرمایه به کار گرفته‌شده در امور مختلف افزایش یافت.

فکت امروز

تبارشناسی موانع تولید در ایران

تولید باید خاصیت فقرزایی داشته باشد



امیرحسام اسحاقی

استاددانشگاه

خارجی، واردات تکنولوژی و دانش فنی، اجرای چند مگاپروژه (پروژه‌های سرمایه‌گذاری شده در مقیاس بسیار بزرگ) و ... زمینه تحقق شعارهای حمایت از تولید را فراهم کنند. اجرای مگاپروژه‌های صادراتی رقابت‌پذیر، نیازمند سالانه ۶۰ تا ۸۰ میلیارد دلار سرمایه است که به نظر می‌رسد بدون رفع تنش‌ها و تحریم، تأمین آن بسیار دشوار باشد. اکنون بازار کالاهای صادراتی ایران، اندک و بیشتر محدود به چند کشور همسایه است. تا جایی که حدود ۷۰ درصد صادرات در پنج بازار، ۸۰ درصد در ۱۰ بازار و ۹۰ درصد در ۲۰ بازار متمرکز شده است. دو بازار عراق و افغانستان بین ۲۵ تا ۳۰ درصد صادرات کشور را به خود اختصاص داده که البته بازارهای بریسیک و ساختارنیافته هستند و هر تحول سیاسی و اقتصادی می‌تواند منجر به کاهش دسترسی به این بازارها شود. ده‌ها سال است که زیر فشار سنگین تحریم‌ها، کسب‌وکار به‌ویژه بخش تولید تحت تأثیر خروج سرمایه از کشور و محدودیت مرادبات تجاری و ارتباطات بانکی در محیط گلخانه‌ای و ناطمینیاتی به سر می‌برد. در چنین شرایطی که کشور از جذب سرمایه‌های خارجی محروم شده، دریافت تسهیلات و تأمین سرمایه در گردش یکی از مهم‌ترین روش‌های تأمین مالی برای واحدهای تولیدی است. از سال ۱۳۹۹ با اجرای سیاست کنترل رشد ترازنامه، توان تسهیلات‌دهی نظام بانکی به واحدهای تولیدی روند نزولی داشت و تحمیل انواع تسهیلات تکلیفی به بانک‌ها حتی مانع جذب منابع محدود به تولید شد. کارشناسان توصیه می‌کنند علاوه بر استفاده از ظرفیت مالی بازار سرمایه، باید با روش‌هایی مانند اعتبارسنجی و رتبه‌بندی تسهیلات‌گیرندگان، میزان نکول تسهیلات کلان را به حداقل ممکن رساند. نتایج پیش‌ملی محیط کسب‌وکار ایران در دهه ۹۰ نشان می‌دهد که با وجود جهش تصاعدی نقدینگی در سال‌های اخیر، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها و دریافت تسهیلات، همواره یکی از موانع اصلی تولید است. این روند نشان می‌دهد سونامی نقدینگی به جای جذب در سیاهچاله فعالیت‌های غیرمولد فروخته است. پیش‌بینی‌ناپذیری و نوسانات قیمت مواد

گرچه از چهار دهه گذشته تاکنون، «تولید» به‌عنوان یک دغدغه و مسئله اول کشور برجسته شده؛ اما در عمل تنها در سیاست داخلی و دکترین روابط خارجی برای نهضت حمایت از تولید و رونق اقتصادی تحول خاصی ایجاد نشده بلکه رفته‌رفته سهم ایران از یک اقتصاد جهانی کوچک‌تر شد؛ به‌ویژه در سال‌های اخیر که تنش‌های سیاسی و هسته‌ای آن رویکرد را با ابهامات و موانع زیادی روبه‌رو کرده است. در ۵۰ سال گذشته که اقتصاد ایران فقط ۶.۶ برابر شد، اقتصاد کشورهای هند، مالتی، کره جنوبی و چین به ترتیب ۱۳.۵، ۲۰، ۳۴.۲ و ۶۳ برابر رشد داشته است. سهم ایران از اقتصاد کل جهان براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، حدود ۳۶۸ میلیارد دلار یعنی کمتر از نیم درصد برآورد شده است. رتبه نخست خاورمیانه به عربستان با سهم یک درصد (هزارو صد میلیارد دلار) و رتبه دوم به ترکیه با هزار میلیارد دلار رسید. درآمد سرانه شهروندان ایرانی و مقایسه اقتصاد آن با دوره پیشاتحریم، شرایط واقعی اقتصاد ایران را حکایت می‌کند. بسیاری از آمارها نشان می‌دهد که درآمد ملی سرانه ایران در یک دهه اخیر حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد افت کرده است. در چنین شرایطی، اقتصاد ایران همچنان با سطح تورم بسیار بالا دست‌وپنجه نرم می‌کند و طبق آمارهای بین‌المللی، در بین ۱۰ کشور نخست نرخ جهشی تورم قرار دارد. مهم‌ترین ابزار اقتصادی برای مقایسه کشورهای تولید ناخالص داخلی است. بر مبنای تولید ناخالص داخلی سرانه با استفاده از شاخص قدرت خرید، ایران در رتبه ۸۶ قرار می‌گیرد. این شاخص، ارزش بازاری کالاها و خدمات تولیدشده در یک سال در هر اقتصاد را اندازه‌گیری می‌کند. براساس آخرین پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول از بزرگ‌ترین اقتصادها در سال ۲۰۲۸، نامی از ایران در ۳۵ اقتصاد بزرگ جهان نیست. با محاسبه تولید ناخالص داخلی سرانه بر حسب قدرت خرید، ایران با رتبه ۸۶ حتی در میان ۵۰ کشور اول دنیا نیز قرار ندارد. تحلیلگران اقتصادی، سیاست‌های خارجی و ارزی نامشخص، محدودیت در تعاملات تجاری و پولی بین‌المللی، ناکارآمدی نظام تأمین مالی و بنگاهداری و کمبود زیرساخت‌های ترابری و لجستیکی مانند ریل، هواپیماهای باری و مسافری، کامیون و کشتی، ماشین‌آلات پارگیری و تخلیه کالا، بندر، گمرکات، فرودگاه، جاده و خطوط منظم هوایی و دریایی را از مهم‌ترین چالش‌هایی می‌دانند که در دهه‌های گذشته باعث عقیم‌سازی سیاست‌های حمایتی تولید شد. آنها به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌دهند با شفافیت، رقابت و تسهیل ورود به کسب‌وکار و اداره بنگاه‌ها، تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و کاهش هزینه‌های مبادله، ظرفیت‌سازی و تقویت توان رقابت‌پذیری تولید، پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد از جمله مهار نوسانات شدید ارزی، تأسیس شرکت‌های بزرگ صادراتی برای تقویت ظرفیت‌سازی در تولید، تخصیص مشوق‌های مؤثر حمایتی، تکمیل ظرفیت‌ها برای اتصال به زنجیره جهانی تولید، تنش‌زدایی در روابط سیاسی و اقتصادی برای ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های داخلی و

از نمونه‌های جاری اختلال کارکردی ساخت حقوقی مسئله «مهریه» است. تا اوایل دهه ۱۳۶۰ معمولاً برای مهریه پول تعیین می‌شد. از نیمه‌های دهه ۶۰ با افزایش روزافزون نرخ تورم و افت مستمر و شدید ارزش و قدرت خرید پول، برای حفظ ارزش مهریه در طول زمان سکه و به‌تدریج طلا جایگزین پول شد. در سال ۱۳۶۰ ارزش طلا هزار تومان مهریه معادل ۳۰ سکه طلا بود. اگر زنی با این مقدار مهریه در سال ۶۰ ازدواج کرده و در سال ۱۳۷۰ آن را دریافت کرده باشد، فقط همان ۱۰۰ هزار تومان را گرفته است. اما در همین سال این مبلغ معادل قیمت فقط چهار سکه طلا بود. این کاهش چشمگیر آن را تقریباً به هیچ بدل می‌کرد. اما قانون‌گذار ایرانی برای اصلاح این وضعیت مقاومت داشت و هیچ واکنشی نشان نداد. بالاخره در سال ۱۳۷۶ با اصلاح ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مقرر شد در مواردی که مهریه پول است، با محاسبه شاخص تورم به نرخ روز محاسبه شود. این واکنش اما خیلی دیر و بسیار کم‌اثر بود، زیرا سال‌ها بود که سکه جایگزین پول شده بود و جز موارد استثنائی را دربر نمی‌گرفت. در فاصله نیمه دهه ۱۳۷۰ تا نیمه دهه ۱۳۸۰ ثبات نسبی و رشد اقتصادی موجب شد مبادله سکه طلا به عنوان مهریه تقریباً آسان باشد. ارزش سکه طلا نزدیک به چهار برابر افزایش داشت. در عین حال در همین دوره با بهبود نسبی اقتصاد کشور قدرت خرید مردم نیز بهبود یافته بود. در همین بازه زمانی حداقل مزد از ۲۰ هزار و ۷۵۰ تومان در سال ۷۵ به ۱۵۰ هزار تومان در سال ۸۵ رسید و رشدی ۷/۵ برابری داشت. در سال‌های ۸۴ و ۸۵ ارزش یک سکه طلا تقریباً معادل یک ماه حداقل مزد بود.

در این سال‌ها اگرچه کم نبودند شوهرهایی که به دلیل ناتوانی از پرداخت مهریه دادخواست اعسار می‌دادند و مهریه تقسیمی می‌شد ولی در این تقسیت زنان چندان بی‌بهره نمی‌مانند. مثلاً دادگاه‌ها در احکام خود به چیزی حدود ۲۰، ۳۰ درصد تعداد سکه به عنوان پیش‌قسط و ماهانه معمولاً بیش از یک سکه به عنوان اقساط مهریه رای می‌دادند.

از حدود نیمه دوم دهه ۸۰ به بعد با اوج‌گیری بحران‌های اقتصادی و جهش مستمر نرخ تورم و کاهش نرخ رشد اقتصادی، بهای سکه طلا نیز افزایش فراوان یافت که باز هم موجب اختلال شدید در وضعیت حقوقی مهریه به زبان زنان شد به شکلی که تقریباً از امکان مطالبه مهریه مؤثر تا حد زیادی محروم شدند.

در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ تا نیمه دهه ۱۳۹۰ قیمت سکه طلا بیش از هفت برابر بالا رفت. به این ترتیب در این دوره عملاً امکان پرداخت سکه مهریه حتی به صورت قسطی نیز از بسیاری از مردان سلب شد. در این دوره آرای دادگاه‌ها به سمت پرداخت چیزی حدود ۱۰، ۱۵ درصد پیش‌قسط و ماهانه حدود نیم تا یک سکه گرایش یافت. در سیاست قضائی نیز قبول اعسار شوهرها و جلوگیری از بازداشت آنها تسهیل شد. این تغییرات تماماً به زبان حقوق نزنان بوده‌اند. از اواخر دهه ۹۰ تا امروز وضعیت بسیار بدتر و بحرانی‌تر شده است. به شکلی که در بسیاری از محاکم رای به پرداخت دو، سه درصد مهریه به عنوان پیش‌قسط و هر پنج، شش ماه نیم سکه رویه شده است. یعنی پرداخت ۱۰۰ سکه نزدیک ۱۰۰ سال طول می‌کشد! یعنی عملاً هیچ‌ا حال آنکه بعد از طلاق برای اغلب زنان مهریه تنها سرمایه‌ای است که آن بتوانند زندگی تازه خود را سر و سامانی مختصر بدهند. در حالی که دستگاه اجرائی و تقنینی هیچ اقدامی برای اصلاح حقوقی این وضعیت نکردند. در سال ۱۳۹۹ ممنوعیت بازداشت شوهر برای بیش از ۱۱۰ سکه نظم حقوقی را خراب‌تر و حقوق زنان را تضعیف کرد. در این ترتیب نهاد حقوقی مهریه، که تقریباً در موازنه حقوقی میان زوج‌ها تنها ابزار قابل اعتنای زنان است در عمل کارکرد خود را از دست داده و بی‌اثر شده است. مرور وضعیت مهریه در این دوره ۴۰ ساله به خوبی نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی قادر به وضع مقررات متناسب با واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی کشور نیست.

شکرستان و زهرستان

رهنورد رقابت خوانی

شکاف حکمرانی

توسعه اقتصاد و جامعه دانش در ایران

آخرین دیپلمات

انتشارات شرق منتشر کرد